

بسمه تعالی

دانشگاه فرهنگیان - پردیس شهید بهشتی فراسان (ضوی

وامد شهید رجایی تربت میدریه

جلسه دوم آموزش غیرمضوری

درس روانشناسی تربیتی - گروه ۱۷۵

مدرس : دکتر شعبانی

موضوع : رشد شناختی - بخش دوم

منابع : - روانشناسی تربیتی - علی اکبر سیف

روانشناسی تربیتی - پروین کدیور

روانشناسی تربیتی - پیام نور

۱- دوره مسی و حرکتی : به نظر پیاژه فعالیت‌های فکری در نخستین مرحله رشد کودک

به وسیله اعمال مسی و حرکتی شروع می‌شود ، یعنی عمل موجود زنده منشأ تعامل است و علت اولیه اعمال ذهنی کودک به شمار می‌رود .

کودک از طریق این فعالیت‌ها که ابتدا به صورت پاسفهای بازتابی است ، محیط را شناسایی می‌کند ، ولی هنوز قادر به تفکر نیست . از نظر پیاژه ، بازتابها در همان چند روزه اول زندگی بر اثر تجربه های نوزاد به یک سافتار نوین تمول می‌یابد. در این مرحله هوش کاملاً عملی است ولی همین اعمال ، اساس فعالیت‌های ذهنی بعدی را تشکیل می‌دهد . در این مرحله ، کودک از طریق ابزارهای مسی و حرکتی به طرح هایی از عمل دست می‌یابد که برای سافت‌های هوشی آینده اهمیتی ویژه دارد .

پس از پایان سال اول زندگی رفتار کودک اختصاصی تر می‌شود و تجارب خود را طوری سازمان می‌دهد که در مواجهه با موقعیت‌های جدید – به جای استفاده از طرح های ذهنی که بر اساس موقعیت‌های کم و بیش یکسان حاصل شده اند – بتواند با راه‌های جدیدی دست یابد و برای رسیدن به هدفی خاص وسیله ای معین انتخاب کند. از ویژگی های نوباوگان میتوان جست وجوی اشیاء پنهان ،، وانمود به بازی کردن و در نتیجه رشد شناختی نوباوگان به طور منظم این ارزیابی نشان میدهد که کودکان نوعی دانش کسب کنند همانند سینه فیزکردن وادراک عمیق و توانایی یافتن اشیاء .

۲- دوره پیش عملیاتی : این دوره از این نظر پیش عملیاتی خوانده شده است که بر

اساس نظریه پیاژه کودک تا قبل از هفت سالگی به تفکر منطقی دست نمی یابد .

به نظر پیاژه در حدود دو سالگی مرحله دیگری در رشد ذهنی کودک آغاز می شود که از

مشخصات عمده آن تسلط بر نمادهاست . برای نمونه می توان به استفاده از

کلمات به جای اشیاء اشاره کرد . این ویژگی به کودک اجازه می دهد تا آن چه را که

قبلاً به طور محسوس و حرکتی انجام داده است ، اکنون به طور ذهنی به کار برد .

پیاژه معتقد است نمادها از تقلید ذهنی ناشی می شوند . از آن جا که نمادها بر

اساس تجارب شفوی کودک شکل می گیرند برای هر کودک کیفیت ویژه ای دارند .

نمادها به طور مستقیم جانشین اشیاء نمی شوند بلکه دانش شخص را درباره آن

اشیاء نشان می دهند . برای مثال ، احتمالاً همه کودکان تصورات مشابهی از توپ

دارند ولی هر کودک تصور ویژه خود از توپ را نیز پیدا می کند . بدین علت که تجارب

شخصی کودکان از توپ با یکدیگر متفاوت است . پیاژه معتقد است یکی از برجسته

ترین مشخصات تفکر و تکلم کودکان ، به طور کلی خودمدار بودن آن است یعنی

کودک نمی تواند به دیدگاه شخص دیگری توجه کند . او کلمات را بر اساس تجارب

خود تفسیر می کند و بکار می برد و هنوز نمی داند کودکان و نوجوانان دیگر ، که

تجارب متفاوتی دارند احتمالاً می توانند تصورات متفاوتی داشته باشند . توانایی به

مساب آوردن دیدگاه‌های دیگران ، که اصطلاحاً تکلم و تفکر اجتماعی شده نامیده می شود تا هفت یا هشت سالگی ایجاد نمی شود . بنابراین نمونه کاربرد لغات به وسیله کودکان با نوجوانان و بزرگسالان تفاوت دارد.

تفکر و تکلم خودمدارِ کودکان پیش از دبستان نه تنها ناشی از تفسیر شفصی آنها از کلمات است ، بلکه ناشی از محدودیت ذهنی آنها در تفکر همزمان به چند موضوع نیز هست . این کیفیت در نمونه استدلال کودک درباره اشیا نیز تأثیر می گذارد . برای مثال در آزمایشهای پیاژه که به منظور تعیین درجه ادراک کودک از اصل نگهداری ذهنی انجام گرفت ، این مسأله بفوی شرح داده شده است . نگهداری ذهنی به این معناست که وقتی شکل یا ظاهر چیزی تغییر کند در ماهیت و مقدار آن تغییری ایجاد نمی شود . در آزمایش نگهداری ذهنی ، در مقابل کودک ، آب را از یکی از دو لوله کاملاً یکسان به لوله ای باریک و بلند می ریزند و آب لوله دوم را به لوله ای پهن و کوتاه می ریزند ، کودک پیش دبستان که فقط می تواند در هر لحظه به یک کیفیت بیندیشد خواهد گفت که آب لوله باریک و بلند از لوله پهن و کوتاه بیشتر است زیرا او فقط به ارتفاع توجه می کند . دو سال طول می کشد تا کودک با تجارب لازم سازگار شده ، آنها را سازمان دهد و به تفکر تمرکززا دست یابد ، یعنی بتواند هر دو خصوصیت حجم و اندازه را یک جا به مساب آورد. می توان این مسأله را درک کند

که به رخم تغییر شکل ظرف مقدار آب آن تغییری نمی کند . با وجود این توانایی درک نگهداری ذهنی در یک خصوصیت کمی موجب نمی شود که کودک شش ساله فوراً یک اصل کلی را درک کند و به کار برد . معمولاً دراین مرحله به ترتیب درک کامل نگهداری ذهنی وزن و حجم حاصل نمی شود . این نکته ، بیان کننده این است که کودک قبل از پرداختن به تعمیم اصول کلی ، به سازماندهی و سازگاری تجارب بیشتری نیاز دارد .

۳ - دوره عملیات عینی : مدود هفت تا هشت سالگی شروع دوره دیگری از رشد

روانی کودک است . کودک در این دوره می تواند به طور همزمان به جنبه های مختلف پدیده های بیندیشد و ارتباط بین ابعاد مختلف آنها را درک کند . کودک درک می کند که اجسام می توانند با هم ترکیب و سپس از هم جدا شوند یا با هم جمع و از هم کم شوند بدون این که در مقدار ، وزن ، سطح و حجم آنها تغییری حاصل شود ، یعنی هوش کودک بازگشت پذیر می شود . عمل ذهنی کودک در این مرحله محدود به اشیایی است که در اختیار دارد و یا آنها را به طور مستقیم و عینی تجربه می کند یعنی آنچه کودک می آموزد در رابطه متقابل با اشیاء است . به این دلیل پیاژه این مرحله را مرحله عملیات عینی نامگذاری کرده است . به نظر پیاژه این مرحله نشان می دهد که چگونه اعمال ذهنی به منشأفود که عملی مادی است

مربوطند . این واقعیت که هوش از عمل سرپیشمه می گیرد ، به این نتیجه اساسی منتهی می شود که هوش متی در عملیات عالی که به مدد ابزارهای تفکر کار می کند ، همچنان شامل اجرا کردن و هماهنگ ساختن عمل در سطح فرایندهای ذهنی است .

۴ - دوره تفکر انتزاعی : همچنان که کودک رشد می کند ، نموه تعامل او با محیط تحت تأثیر مراحل رشد فکری او قرار می گیرد . تا زمانی که کودک رشد بیشتری نکند و به سازماندهی و سازگاری مناسبتری دست نیابد ، نمی تواند با مفاهیم انتزاعی سر و کار داشته باشد . اصطلاح انتزاعی ، نشاندهنده پیشرفت سافت فکری است . این اصطلاح به توانایی نوجوان در ساختن و ایجاد کردن فرضیه ها نیز دلالت می کند . در این مرحله ، استدلال نوجوان به اشیاء یا واقعیهایی که مستقیماً قابل تصور است محدود نمی شود ، بلکه با فرضیه ها یعنی قضایای منطقی نیز در ارتباط است .

هوش انتزاعی ، وسعت فوق العاده به افق فکری نوجوان می بخشد، نوجوان می تواند به کمال مطلوب بیندیشد و در مورد مسائل مغایر با واقعیت اظهار نظر کند و به ساختن و ارائه فرضیه بپردازد. همچنان که نوجوان در اعمال انتزاعی تجربه بیشتری کسب می کند ، بیشتر به آن چه که باید باشد می اندیشد و گاهی در استفاده در نیرویی که به دست آورده است ، افراط نیز می کند .

کاربردهای دیدگاه پیاژه در تعلیم و تربیت همان طور که گفته شد ، به نظر پیاژه

تمول ، حاصل فرایندی پیچیده و تعاملی است که نه تنها سنگ بنای نظریه پیاژه را

تشکیل می دهند ، بلکه می توانند مبنایی برای مضامین تربیتی نظام پیاژه باشند .

متناسب بودن آموزش با رشد شناختی

وظیفه معلم نزدیک شدن به دنیای کودک و شناخت اوست نه نزدیک کردن دنیای

کودک به دنبال بزرگسالان

تأکید بر آموزش فعال و پرهیز از حالت انفعالی یعنی توجه به ویژگی های شفصی

هدف آموزش اندیشیدن است نه اندیشه